دوفصلنامه علمی ـ تخصصی خانواده در آیینه فقه
سال پنجم/ شماره ۵/ بهار و تابستان ۱۳۹۹

Two quaterly scientific- specified
Family in the mirror of jurisprudence
Years, 5 No.5, Spring and Summer 2020

آثار فرزند آوری و نقش آن در تحکیم خانواده

□ معصومه نبی زاده *

چکیده

وجود فرزند در خانواده یکی از نعمت های الهی است که در فطرت بشر نهفته شده و جزئی از اهداف مقدس ازدواج نیز بقای نسل در قالب فرزند آوری می باشد. امروز که کانون گرم خانواده در برخی ممالک و مجامع مخصوصا بعضی از کشور های غربی به لرزه در آمده است، کلمه ازدواج را به اعمالی به کار می برندکه هیچ کدام از اهداف ازدواج از جمله تولید نسل در آن تعقیب نمی گردد.

فرزند در خانواده برکات فروانی را به همراه دارد که از جمله آن ها استحکام خانواده بوده وگرما بخش و موجب صمیمیت در زندگی والدین است،در این مقاله تلاش شده نقش مثبت اولاد در زندگی والدین مورد کنکاش قرار گیرد، و می توان گفت: توصیه به فرزندآوری و تبیین برکات آن در زندگی از نگاه اسلام، و یافته های دانش تجربی، به نوعی به بخش مهمی از جنبه های کیفیت زندگی افراد در خانواده اشاره دارد. حضور فرزندان در خانواده بر ساحت های مختلف زندگی اثر می گذارد، از جمله تسهیل تحمل مشکلات و ناهمواری ها، سلامت جسمی و شادکامی والدین، استحکام بنیان خانواده، ارتقای شخصیت انسانی و درجات معنوی پدر و مادر را می توان نام برد. آثار وبرکات متذکره در صورت از فرزند مورد انتظار است که والدین هم به درستی به وظیفه خویش عمل نماید واگرنه نتیجه دلخواه را در پی نخواهد داشت.

کلید واژه ها: فرزند، والدین، استحکام خانواده، ازدواج

---

* کارشناسی رشته تعلیم و تربیت

مقدمه

بسیاری از مطالعات و تجربه های عینی نشان می دهند که تولید فرزند ، به عنوان بارز ترین محصول پیوند زناشوئی، در تحکیم و تثبیت خانواده نقش ممتازی ایفا می کند و درمقابل، عقیم بودن و ناکامی در تولید فرزند، به ویژه در صورت اشتیاق وافر دو زوج و وجود حساسیت های محیطی مشوق فرزند آوری ، در بسیاری موارد فروغ مهر و صفا را در روابط زناشوئی ضعیف و پیوند های متقابل را سست می گرداند. بدون شک، تأثیرفرزند بر استحکام خانواده تا حد زیاد به میل فرزند خواهی رتباط دارد. شاید میل فرزند خواهی به میل جاودانگی بازگشت کند و چون میل به جاودانگی شخصی در این دنیای فانی و گذرا ارضا شدنی نیست، این عدم ارضا انسانها را به تلاش برای تحصیل جاودانگی غیر شخصی از راه به یادگار نهادن اثار ماندگار سوق می دهد. بقای نسل اشخاص از راه فرزندان یکی از بارزترین مصادیق جاودانگی غیر شخصی است و از این رو، والدین استمرار وجود خویش را از راه فرزندان جستجو می کنند و حیات ایشان را به دنباله حیات خویش می انگارد. به هر تقدیر، ناکامی در تولید فرزند ، نوعی نا خرسندی طبیعی را بر زوجین تحمیل می کند و خانواده را به رغم جاذبه های متعدد در معرض بی ثباتی قرار می دهد . در طرف مقابل، رضایت درونی زوجین موهبت بزرگی است که از تولد فرزند، به ویژه فرزند اول عاید آنان می گردد(بستانی(نجفی) ،۱۳۸۳؛ص۲۰۳).

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی-روان شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده هایی که صاحب فرزندند، بیش از خانواده های بدون فرزند از زندگی لذت می برند.

تشکیل خانواده و فرزندآوری، یکی از جنبه های مهم زندگی افراد به شمار می آید و به باور برخی از جامعه شناسان خانواده، فرزندآوری و فرزندداری آن قدر مهم است که قرن های طولانی، زنان با هویّتِ فرزندداری در کنار خانه داری و شوهرداری، تعریف می شدند. زن خوب غذای بهتر می پخت، از همسر بهتر پذیرایی می کرد و بسیار فرزند می آورد(لبیبی،۱۳۹۳؛ ص۱۳۰).

بنابراین، فرزند در خانواده دارای اهمیت فوق العاده ای است و در نگاهی کلان، فرزند، از

یک سو موجب تشخّص و هویت خانواده می شود و از دیگر سو، وجود فرزند یا فرزندان، زمینه ای برای تداوم زندگی مشترک زوجین و سپری ستبر در برابر فروپاشی خانواده به شمار می آید. از این رو، هنوز هم در خانواده های معاصر ایرانی، ناباروری و نداشتن فرزند، عامل طلاق و نوعی سرشکستگی و عیبی بزرگ در میان خویشاوندان محسوب می شود.

فقها نیز به تبع از منابع اسلامی یکی از هداف ازدواج را بقای نسل دانسته، و به همین علت سفارش نموده ازدواج با زنی نماید که دارای ویژگی های نکو از جمله شایستگی فرزند آوری داشته باشد «خیر نسائکم الولود الودود العفیفة»(موسوی خمینی ،بی تا، ج۲، ص: ۲۳۷).

فرزند آوری به عنوان یکی از نتایج ازدواج؛ به اندازه‌ای در اسلام اهمیت دارد که سفارش نموده هنگام ازدواج از خدا بخواهد همسر مناسب که ویژگی های خاص از جمله فرزند آوری که آنها در حیات و ممات والدینش سود مند واقع گردد(عاملی، شهید ثانی، ۱٤۱۰، ج٥، ص: ۸۸)[1]

شاید بسیاری در انتخاب همسر به مال و جمال و موقعیت اجتماعی و خانوادگی اش توجه نمایند؛ اما در آموزه های اسلامی به اندازه به فرزند آوری سفارش شده است که زن بد چهره فرزند آور بر زن که مال و جمال داشت باشد اما فرزند نیاورد مقدم داشته ، رسول اکرم(ص) این گونه سفارش نموده است: « به فرزندت زنی بدچهره ، اما فرزند آور تزویج کنی بهتر از آن است که زیبا رویی نا زا بدهی، چون من در قیامت به زیادی امت خود مباهات میکنم. آیا نمی دانی که اطفال تحت عرش الهی برای پدران خود مغفرت می طلبند و ابراهیم(ع) وساره درکوهی از مشک و عنبر و زعفران از آنان حضانت می کنند؟» (حرعاملی؛۱٤۰۹،ج۲۰؛ص٥٤).

با این توصیف، به نظر می رسد توصیه به فرزندآوری و تبیین برکات آن در زندگی از نگاه اسلام، و یافته های دانش تجربی، به نوعی اشاره به بخش مهمی از جنبه های کیفیت زندگی افراد در خانواده دارد. وجود فرزندان در خانواده بر ساحت های مختلف زندگی اثر می گذارد، در ادامه به پنج مورد از این ثمرات و تأثیرگذاری ها اشاره می شود:

۱- فرزند؛ عامل اقتدار و نیرومندی والدین

روایات اسلامی نشان می دهد که فرزند، عامل اقتدار و بازوی توانایِ والدین در شرایط

سخت زندگی است. امام رضا(ع) فرمود: «...تَوْفِيرِ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ...(کلینی،۱٤۲۹ق؛ ج۱۰،ص۷۰۰) (از برکات ازدواج) اندوختن فرزند برای (رویارویی با) سختی های روزگار و پیامدهای زمانه است».

در نقلی، روزی امام حسن عسکری(ع)- که به دستور معتمد عباسی (لعنت الله علیه) در زندان به سر می برد – به یکی از یاران خود در زندان فرمود: آیا فرزند داری؟ عرض کرد: خیر! امام درباره او دعا فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلَداً يَكُونُ لَهُ عَضُداً فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ؛ خدایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد؛ چراکه فرزند چه خوب بازویی است!» سپس حضرت این شعر را خواندند:

مَنْ كَانَ ذَا عَضُدٍ يُدْرِكْ ظُلَامَتَه = إِنَّ الذَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَضُدٌ. «هر کس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر ستمی بر او رود، فرزندش آن را می ستاند. ذلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد»(قطب الدین، ۱٤۰۹ هـ ق، ج۱، ص: ٤۷۸).

امام زین العابدین(ع)نیز در این مورد فرمود: «مِن سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَستَعِينُ بِهِم»؛ از سعادت مرد این است که فرزندانی داشته باشد تا در مشکلات به یاریش برخیزند»(حرّ عاملی ، ۱٤۰۹ ،ج۲۱،ص۳٥٦).

امام سجاد(ع) در دعای خویش در حق فرزند، از خداوند می‌خواهد آنها را در یاری به ایشان کمک کند:

بار خدایا! بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان و کمر مرا به آنان راست نما (در سختی و گرفتاری آنان را کمک من گردان) و عدد و شماره مرا به آنان افزون کن و مجلس مرا به ایشان بیارا و یاد مرا به آنها زنده بدار و به وسیله اینان برابر حاجت و خواسته‌ام یاری فرما(سید الساجدین، ۱٤۱۸، ص: ۱۲۰). [۲]

به این جهت قرآن کریم داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می داند و می فرماید: ثُمَّ رَدَدْنا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْدَدْناكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنينَ وَ جَعَلْناكُمْ أَكْثَرَ نَفيراً(اسراء،٦) ؛سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما بازمی گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندانی یاری می کنیم و از حیث نفرات، بیشتر (از آنها) قرار می دهیم.

بنابراین، یکی از پایه های اصلی قدرتمندی، تولید ثروت و پیشرفت هر خانواده و جامعه ای، جمعیتِ آن است. جمعیت اندک از در روابط خارجی، قدرت مانور در مقابل دشمنان را کاهش خواهد داد. کشوری با جمعیت پیر و اندک، مورد طمع قدرت ها و مستکبرین خواهد بود، لذا موفقیت در سطوح ملی و بین المللی و ایستادگی جوامع در برابر ظلم و تجاوز قدرت های استکباری، وابسته به گوهر ایمان و عمل جوانان فداکار است. از این رو، هر کشوری که از جوانان غیور و پُرانرژی برخوردار است، دشمنان را از حمله نظامی باز می دارد.

از طرف دیگر، جمعیت جوان، مؤمن، اهل کار و خلاق می تواند با نیروی فکری و قوت بدنیِ خود گام های مؤثری در رشد و تعالیِ خود، خانواده و جامعه بردارد. به همین دلیل «اقتدار ملی» به عنوان سیاست راهبردی کشور از سوی رهبر معظم انقلاب(حفظه الله)، به این شکل اعلام شده است که فرمود: «امروز سیاست جمهوری اسلامی، عبارت است از اینکه ملّت ایران باید خود را قوی کند. اگر ملّتی قوی نباشد و ضعیف باشد، به او زور می گویند. اگر ملّتی قوی نباشد، باج گیران عالَم از او باج می گیرند. اگر بتوانند به او اهانت می کنند. اگر بتوانند، زیر پا او را لگد می کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادّی اداره می شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می کند، زورگویی خواهد کرد»(خامنه‌ای،۱۳۹۳/۱/۱).

۲- سلامت و شادکامی والدین

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی-روان شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده هایی که صاحب فرزندند، بیش از خانواده های بدون فرزند از زندگی لذت می برند و احساس خوشبختی بیشتری می کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه «بریگهام یانگ» آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸٦ کشور جهان، بین سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵م نشان می دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی ها، دقت بیشتر در کارهای جزیی و افزایش شادی والدین می گردد(آیت اللهی، ۱۳۹٤،ص۱۸٤).

تحقیقات جدید نیز نشان می دهد که پدر و مادر شدن، آنها را از خطر ابتلا به سرطان و بیماری های قلبی محافظت می کند. همچنین، این تحقیقات حاکی از آن است که بارداری زنان در عملکرد حافظه آنها اثر می گذارد و موجب می شود مغز آنها عملکرد بهتری داشته باشد(همان،ص۱۸۵).

افزون بر این، یکی از عوامل ایجاد آرامش و افزایش شور و نشاط در زندگی، ورود فرزند به کانون خانواده است. اگرچه در آغاز جوانی، محرّک انسان برای ازدواج، مسئله تمایلات نفسانی است؛ ولی آنگاه که از شدت این تمایلات کاسته می شود، مایه دلگرمی کانون خانواده، داشتن فرزند می باشد. به این دلیل در تعابیر دینی، فرزندان، نور چشم والدین به شمار آمده اند.

قرآن کریم آنجا که «عِبادُ الرَّحْمن» (بندگان خاص خداوند) را معرفی می کند، یکی از خصوصیات آنها را این گونه بیان می فرماید: «وَ الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيَّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ إِماماً»(فرقان، ٧٤) ؛ و آنان کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی دیدگان (و نسل های صالح، پاک و متّقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان و رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشوا گردان.

امام صادق(ع) نیز در سفارش به فردی که پس از سال ها ازدواج صاحب فرزند نشده بود، فرمود: زمانی که یکی از شما فرزنددار شدنش دیر شود، باید بگوید: «اللَّهُمَّ لَاتَذَرْنِي فَرْداً وَحِيداً وَحْشاً، فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي، بَلْ هَبْ لِي أُنْساً وَ عَاقِبَةَ صِدْقٍ ذُكُوراً وَ إِنَاثاً، أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ أَشْكُرُكَ عَلى تَمَامِ النِّعْمَة(کلینی،پشین، ص٣٤٦) خدایا! مرا تنها و وحشت زده نگذار تا سپاسگزاریم از تدبیرم کمتر شود؛ بلکه محل اُنس و جانشینی درست از پسران و دختران را به من ببخش که از وحشت به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم و به هنگام کامل شدن نعمت تو را سپاس گویم.

در این دعا وجود فرزند، باعث آرامش و عاملی برای دوری از وحشت و تنهایی به شمار آمده است. به این دلیل، برخی از اندیشمندان در تبیین کارکرد فرزند در کانون خانواده معتقدند که: زناشویی بدون فرزند، پژمردگی است و پس از آوردن فرزند، کانون زندگی به شکوفایی می رسد؛ بلکه پس از بچه دارشدن، زندگی دارای معنای حقیقی می شود و خانه به وسیله فرزند، پُر از خنده

و نشاط می گردد. پژوهشی که «برتراند راسل» انجام داده است، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می کند. گذراندن وقت با کودک و بازی با او یکی از بهترین لحظاتی است که می تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد.

تحقیقات «فیلدمَن» نیز درباره پدر و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادرشدن و احساس شادی و نشاط حاصل از آن در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است(آیت اللهی،پشین،ص۱۸۱).

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می شود که پدر و مادر به سنین پیری می رسند و محیط خانه به آشیانه ای ساکت و بی فروغ تبدیل می شود و به دلیل نداشتن فرزند، مجبورند در خانه سالمندان یا گوشه خانه ای خاموش، عمر خود را در تنهایی و رنج سپری کنند.

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شور و نشاط در زندگی مشترک، تولد فرزند در خانواده است؛ پیامبرگرامی اسلام(ص)درتعبیریجالبمی‌فرماید:«فرزند صالح، گلی ازگل‌های بهشت است»(صدوق،۱٤۱۳،ج۳،ص٤۸۱). [۳]

یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است و در مقابل آن یکنواختی، موجب ملال، سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌گردد.

تولد فرزند جدید، فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از دل‌تنگی است. همان‌گونه که مشاهده رویش گل‌ها و گیاهان، حس حرکت و بالندگی را در آدمی بیدار می‌کند، تماشای صحنه‌های دلپذیر رشد کودکان، والدین را به وجد می‌آورد و موجب پویایی و انگیزش آنان می‌شود. اضافه شدن فرزند به جمع خانواده، شتاب خاصی به آهنگ زندگی می‌بخشد.

کلام ائمه(ع)نیز نشان دهنده همین دل‌بستگی سالم به فرزندان است. از امام صادق(ع) پرسیدند: شیرین‌ترین چیز برای انسان چیست؟ ایشان فرمود: «داشتن فرزند جوان.» سپس پرسیدند: بدترین و تلخ‌ترین حالت برای انسان چیست؟ فرمود: «از دست دادن فرزند(صدوق،ج۱،ص۱۸۸)». [۴] یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است و در مقابل آن یکنواختی، موجب ملال، سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌گردد. روان‌شناسان معتقدند دل‌بستگی متقابل والدین و فرزندان از ضروریات اجتماعی شدن

است. این‌گونه دل‌بستگی‌ها برای موفقیت پدر و مادر در اجرای وظایف مربوط به رشد خانواده و بهداشت روانی آنان ضروری است و فرزندان از عناصر بنیادین خوشبختی در خانواده محسوب می‌شوند.

پژوهش های تجربی اثبات کرده است که شادی و نشاط علاوه بر ایجاد امیدواری و رضایت خاطر در زندگی، باعث تقویت سستم ایمنی بدن، سلامتی و تندرستی، روابط اجتماعی صمیمانه با دیگران، و موفقیت در عرصه های گوناگون می شود(پناهی، ۱۳۹۵، ص۳۸). و هم چنین پژوهش های روان شناسان در سال های اخیر نشان می دهد که اگر مردم عوامل شادی بخش را تجربه کنند و در اختیار داشته باشند رضایت مندی و درجه شاد کامی آن افزایش می یابد(آریل، ۱۳۸۳؛ص۳۹).

۳- عامل امنیت و استحکام خانواده

یکی از مواردی که اهمیت و ارزش فرزند را نشان می دهد، امنیت زاییِ فرزندان در کانون خانواده و سطح جامعه است و فرزندآوری در تأمین نیروی امنیتی خانه و جامعه، نقش چشم گیری دارد؛ چراکه حفظ و حراست از خانه و کشور در برابر خطر تهاجم دشمنان و بدخواهان، توسط نیروهای جوان و نیرومند، امری بدیهی است. هنگامی که در خانه ای چند جوانِ برومند باشد، دزدان مال و ناموس، کمتر جرأت ورود به حریم آن خانه را خواهند داشت. افزون بر این، وجود فرزندان در خانه نیز موجب امنیت بنیان خانواده از فروپاشی است؛ چون وجود فرزند در کانون خانواده، مانع از بروز ناسازگاری ها و طلاق می گردد. هنگامی که زن و مرد دارای فرزند باشند، فرزندان، سِپَر حمایتی را در برابر طلاق برای آنها فراهم می کنند. این سپر حمایتی، موجب حفظ و تداوم زندگی زناشویی می گردد.

فرزند چون وجود مشترک پدر و مادر را در خود دارد، و سرنوشت او برای هر دو مهم است، سبب می‌شود که پدر و مادر با توجه به وجود او، برخی از ناملایمات را تحمل کرده و زود تصمیم به جدایی و فروپاشی خانواده خویش نشوند(علوی نژاد،۱۳۸٦، ص ۵۰).

. در قرآن کریم به این نیاز انسان بارها و بارها اشاره شده است. گاه به صورت عادی و گاه به

صورت ذکر نعمت الهی. یکی از این موارد، آن جا است که زکریا(ع) دعا می‌کند: «هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ، قالَ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنّکَ سَمیعُ الدُّعاء» (آل عمران، ۳۸) «آن جا بود که زکریا پروردگارش را خواند (و) گفت: «پروردگارا! از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی.» و حضرت ابراهیم‌علیه السلام، که الگوی انسان‌های سالم و کامل قرآنی است، از این که خداوند در پیری، اسحاق و اسماعیل(علیهما السلام)را بدو عنایت کرده است شکرگزاری می‌کند: «الحمدُللَّهِ الّذی وَهَبَ لی عَلَی الکِبَرِ إسماعیل و إسحاق إنّ ربّی لَسَمیعُ الدُّعاء» (ابراهیم، ۳۹) «سپاس خدای را که با وجود سال خوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید، به راستی پروردگار من شنونده دعا است.» در مواردی هم خداوند، این پدیده ارزشمند را نعمت بزرگ معرفی می‌کند. (نمل،۷۲) خداوند در قبال این که والدین را به گونه‌ای آفریده که زحمت به دنیا آوردن، بزرگ کردن و مراقبت فرزندان را بر دوش بگیرند، به آنان لذّت را عطا کرده است این لذّت با بسیاری از لذّت‌های دیگر قابل مقایسه و جا به جایی نیست.

مطالعات جامعه شناسی و علوم اجتماعی نیز نشان می دهد که: «طلاق میان افراد متأهّل بدونِ فرزند، بیشتر از متأهّلین دارای فرزند است.»؛ یعنی فرزندان با حضور خود به‌عنوان سدّی محکم در مقابل سیل ویرانگر حوادث، از حریم کانون خانواده محافظت می کنند.

بر اساس تحقیقات و مطالعات، امروزه یکی از علت های طلاق زوجین، نداشتن فرزند است. فرزند، به ویژه فرزند خردسال، به منزله پیوند بین پدر و مادر است. از این رو، بی فرزندی باعث تزلزل خانواده می شود؛ چراکه زندگی کم کم عادی می گردد و مشکلات نمایان تر می شود و در نتیجه، علاقه همسران به زندگی مشترک کم خواهد شد؛ ولی با حضور فرزند در کانون خانواده، جاذبه ها و دل مشغولی های تازه ای را برای والدین به ارمغان می آورد که همین امر، در کنار مشاهده ناتوانایی های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت از سوی پدر و مادر، باعث می شود تمام نیرو و احساسات آنها در جهت حمایت از کودک متمرکز گردد.

بنابراین، از فرزند درآموزه های دینی به «جگرگوشه والدین»و «گُل خوشبوی بهشتی»یاد شده است (نوری،ج۱۵،ص۱۱۲) . که والدین حاضر نیستند به راحتی آن را از دست بدهند، لذا حضور فرزند در زندگی مشترک، نقش مثبتی در استحکام و تداوم حیات خانواده دارد.

والدین به لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها، دل مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای را تجربه می‌کنند که مرکز ثقل آن فرزند است و مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد تا با کمک یکدیگر، همه توان خویش را برای حمایت از او به کار گیرند. بر اساس تحقیقات و مطالعات، یکی از علت‌های طلاق زوجین، نداشتن فرزند است. فرزند – به ویژه فرزد خردسال – به منزله پیوند بین پدر و مادر است؛ از این رو بی‌فرزندی باعث تزلزل خانواده می‌شود؛ چرا که زندگی کم‌کم عادی می‌گردد و مشکلات نمایان‌تر می‌شود و در نتیجه علاقه همسران به زندگی مشترک کم خواهد شد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های بی فرزند در ایران بیش از خانواده‌های دیگر در معرض گسست قرار دارند(ساروخانی،ص٦٧-٧١).

بنابراین فرزند که در آموزه‌های دینی از او به «جگرگوشه والدین» و «گل خوشبوی بهشتی» و یکی از چهار سعادت مرد(نوری، پشین١٥،ص١١٣ در کلام ائمه محسوب شده است، نقش مثبتی در استحکام و تداوم حیات خانواده دارد و پدر و مادر حاضر نیستند به راحتی این جگرگوشه خود را با اختلاف یا طلاق آزرده خاطر کنند. [5]

ابراهام هارولد مزلو، از پیشگامان روانشناسی انسان گرا (یا به تعبیر خود او نیروی سوم) که با تولد اولین فرزندش، دیدگاه روانشناختی خود را عوض می‌کند، می‌گوید رفتار گرایی (بیهاوریسم) نمی‌تواند این عواطف را تفسیر کند، یا فرانکل که می‌گوید از میان کسانی که از بازداشتگاههای نازی رهایی یافته بودند، آنهایی که کسی داشتند که به آن دلخوش باشند راحت‌تر با زندگی کنار آمدند و رنجها را فراموش کردند، اما آنهایی که در بیرون کسی منتظر آنان نبود، غالباً به زانو در آمدند، معنای داشتن کسی را که به او دل ببندیم بهتر می‌فهمد(علوی نژاد، پشین،ص٤٥).

علاقه به فرزند به عنوان یک نیاز عاطفی در انسان بسیار شدید است، و قرآن در مورد حضرت ابراهیم و حضرت زکریاعلیهما السلام دعاهای پراحساسی را نسبت به درخواست فرزند مطرح می‌کند و تجلی اوج دوستی فرزند در داستان یعقوب و یوسف‌علیهما السلام خودش را نشان می‌دهد. در قرآن کریم ترتیب بیان مطالب معنی دار است، به تلویح این مطلب مورد اشاره

قرار گرفته است که علاقه به فرزند، می‌تواند پررنگتر از علاقه به خواهر و برادر، حتی والدین باشد. در سوره عبس آمده است: «فَإِذَا جَاءَتْ الصَّاخَّةُ. يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ. وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ. وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ. لِكُلِّ امْرِىءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس،۳۳-۳۷) در این آیات از هول عظیم روز قیامت سخن به میان آمده است که در آن روز شخص از برادر خویش (که دست و بازوی اوست) فرار می‌کند، و از مادر و پدرش (که او را به دنیا آورده، با عشق و محبت و مراقبت بزرگ کرده‌اند) و از همسر و فرزندان خویش (که در دنیا دلبستگی اصلی او بودند) فرار می‌کند.

اینکه قرآن از برادر آغاز می‌کند، سپس به پدر و مادر و سپس به همسر و فرزندان می‌رسد، به این معنا است که مطابق قاعده ادبی قدم به قدم درجه وابستگی بیشتر شود و تا ترقی از پایین به بالا باشد. این واقعیت در زندگی ملموس است. یعنی این که توجه پدران و مادران به فرزندان خویش بیشتر از توجه به هر کس دیگری است... لذا داشتن فرزند در زندگی می‌تواند عامل استحکام خانواده و رابطه محکم‌تری بین پدر و مادرش باشد، به خصوص در دنیایی که تکیه بر محسوس است، فرزند موجودی است که وجود خارجی و ملموس دارد، می‌تواند خاطر والدین را به خویش معطوف کند و سبب شود که والدین، احساس کنند یک موجود واقعی و محسوس وملموس آن دو را به هم پیوند می‌دهد. لذا وجود فرزند، به طور طبیعی وبرای انسانهای سالم از عوامل مهمی است که شخص را به سوی ازدواج می‌کشاند: «یک نظریه جالب درباره علل ازدواج از طرف جامعه‌شناسی آلمانی مولر لیر در کتاب تحول ازدواج در دوران معاصر اظهار شده است. وی خاطر نشان می‌کند سه عامل افراد را به طرف ازدواج کشانیده است که عبارتند از: نیاز اقتصادی،میل به فرزند و عشق» «در خانواده امروز امریکا طلاق نسبتاً فراوان است. قسمت اعظم طلاقها بین زوجهایی صورت می‌گیرد که تنها مدت کمی است ازدواج کرده‌اند. گذشته از این در امریکا بیش از نیمی از زنان و شوهرانی که طلاق می‌گیرند و یا طلاق می‌دهند از داشتن فرزند محروم هستند. بر طبق آماری که اداره بیمه زندگی متروپولیتن منتشر ساخته است حد متوسط طلاق بین زوجهای بی فرزند ۳/۱۵ در هزار خانواده است. در میان خانواده هایی که یک فرزند دارند ٦/۱۱ در هزار و در میان خانواده‌هایی که دو فرزند دارند ٦/۷ در هزار و در میان‌خانواده هایی که بیش از سه فرزند دارند ٦/٤ در هزار است و بطور کلی ۸۵ درصدطلاقها برای زوجهایی

جاری می‌شود که فرزندان ندارند و یااین که‌فقط صاحب یک فرزند هستند.»(علوی نژاد، پشین،)

۴- رشد شخصیت والدین

تعالی شخصیت و کسب آبرو اینکه دیگران انسان را دوست داشته باشند و برایش شخصیت قایل گردد چیزی است که هر انسان متعارف آن را آرزو دارد و دنبال راهی می گردد تا به آن دست پیدا نماید، یکی از طرق بدست آوردن تعالی و رشد شخصیت فرزند داشتن است که وجود فرزند در زندگی سبب می گردد والدین بیشتر اجتماعی شده و شخصیتش رشد پیدا نماید.

وجود تجربه فرزندآوری، مجموعه کاملی از ارزش ها را به ساختار شخصیت والدین اضافه می کند. مطالعات تجربی نشان می دهد که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می رسد؛ چراکه پذیرفتن این نقش، تعهد، فعالیت، مسئولیت و خلاقیت را در انسان به بار می نشاند.

در میان اندیشمندان غربی، «بیل مک کیبن»، نیز معتقد است: «ازدواج، داشتن فرزند زیاد و تشکیل خانواده های بزرگ، برای رشد والدین و ساخته شدن شخصیت فرزندان مفید است.» وی در این راستا می نویسد: «تنها ریشه عمومی رشد و پختگی انسان، در پرورش فرزندان قرار دارد. هرچه تعداد فرزندان بیشتر، کودکی کردن، کمتر؛ یعنی وقتی شما زندگی خود را صرف خوب شدن و رشد دیگران کنید، آدم دیگری خواهید بود؛ ولی با داشتن بچه های کم، رشد شما کُند خواهد بود.»(آیت اللهی، پشین، ص۱۸۲).

۵- سرمایه معنوی والدین

در متون اسلامی، از فرزند به عنوان وسیله آمرزش پدر و مادر یاد شده است. از جمله، پیامبر گرامی اسلام(ص) به امّ سلمه فرمود: «إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا يَدْرِي أَحَدٌ مَا هُوَ؟ لِعِظَمِهِ فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعِدْلِ عِتْقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَغَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: اسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ؛ فَقَدْ غُفِرَ لَكِ،(حرعاملی۱۴۰۹،،ج۲۱،ص۴۵۱)

زن باردار مانند روزه دارِ شب بیدار و سربازی است که جان و مال را در راه پیشرفت اسلام نثار کند. چون کودک متولّد شود، چندان اجر به مادر دهند که جز خدا کسی نداند و چون به او شیر دهد، برای هر مکیدن، ثواب آزاد کردن بنده ای از نسل اسماعیل دارد و چون دوران شیرخوارگی کودک پایان یابد، فرشته ای بزرگوار دست به پهلوی مادر زند و گوید: عملت را از سر بگیر که تمام گناهان تو آمرزیده شد».

امام علی(ع)نیزدرباره بیماری فرزند می‌فرماید: «إنَّه کفَّارةٌ لوالدَیه»(حرعاملی،پشین،۳۵۷)بیماری فرزند، کفّاره گناهان پدر و مادرش است».

در جای دیگر نقل شده است که «حسن بصری» می گفت: «فرزند بدچیزی است؛ حیاتش رنج می دهد و مرگش استخوان می شکند.» این سخن به سمع مبارک حضرت سجّاد(ع) رسید، حضرت فرمود: «کَذَبَ واللَّهِ! نِعمَ الشيءُ الولدُ؛ إن عاشَ فدعاءٌ حاضرٌ، و إن ماتَ فشفيعٌ سابقٌ(نوری؛پشین؛ج۱۵،ص۱۱۲). به خدا دروغ گفته! فرزند، خوب چیزی است. اگر بماند، دعای نقد است و اگر بمیرد، شفاعت گری است که پیش از پدر رفته است».

همچنین، پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود:«الوَلدُ کَبِدُ المؤمِن إن ماتَ قَبْلَه صارَ شفیعاً، و إن ماتَ بَعدَه یَستغفرُ اللَّهَ له فیَغفِرُ لَه(نوری، همان). فرزند، [پاره] جگر مؤمن است. اگر زودتر از پدر بمیرد، شفیع پدر شود و اگر دیرتر بمیرد، برای پدر طلب آمرزش کند و خدا او را (به واسطه دعای فرزند) بیامرزد».

امام صادق(ع)فرمود: جبرئیل(درباره ارزش فرزندان امت اسلام) در خطاب به پیامبر گرامی اسلام(ص)گفت: «...إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبُكَاؤُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا جَازَ السَّبْعَ فَبُكَاؤُهُ اسْتِغْفَارٌ لِوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ فَإِذَا جَازَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِوَالِدَيْهِ وَ مَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا(صدوق،۱٤۱۳،ج٦،ص٥٣). هرگاه یکی از آنان گریه کند، گریه اش تا هفت سالگی «لا اله الا الله» است و وقتی از هفت سالگی گذشت، گریه اش تا بلوغ آمرزش خواهی برای والدین است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که انجام دهد، به نفع پدر و مادرش باشد و هر کار ناشایستی که انجام دهد، به زیان آنان (والدین) نخواهد بود».

از روایات گفته شده معلوم می شود که فرزندان، سرمایه معنویِ والدین در دنیا و آخرت به

شمار می آیند؛ به گونه ای که وجود آنها باعث جلب آمرزش و نزول رحمت الهی می گردد .

۶- فرزند مایه برکت زندگی

یکی دیگر از نقش های که بر اساس معارف اسلامی فرزند در زندگی ایفاء می نماید عبارت است از برکت در زندگی، این مهم در حالی است که یکی از علت های که مردم به خاطر آن یا از تولید نسل جلوگیری می نماید و یا حد اقل جلو تولید فرزندان بیشتر را سد می نماید، خوف وترس از فقر ونداری می باشد. و بر همه گان روشن گردید شعار نادرست « فرزند کمتر زندگی بهتر» که سالها در برخی جوامع اسلامی تبلیغ گردید و فرزند کمتر یک فرهنگ گردیده که تغییر این هرهنگ یا ممکن نخواهد بود ویا حد اقل زمان طولانی را در برخواهد گرفت.

در قرآن کریم نیز به این ترس واهی بزرگ(فرزند موجب فقر می شود) اشاره شده و به این نکته تأکید نموده که فرزند نه تنها موجب فقر نمی گردد بلکه سبب برکت در زندگی شده و چه بسا فرزند موجب غنای والدین گردد، خالق متعال به برکت وجود فرزند والدینش را نیز از فقر نجات خواهد داد مخصوصا زمانی که اولاد بزرگ گردد و هرکدام با کار و تلاش شان نقش اقتصادی را به خانواده به ارمغان خواهند آورد .

به همین علت است که خداوند در دو جا[۶] قرآن کریم بیان داشته است: «وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ »(انعام،۱۵۱) فرزندان خود را از بیم درویشی مکشید. ما، هم شما را روزی می‌دهیم و هم ایشان را.

در ذیل این آیه مبارکه یکی از مفسرین معاصر بیان داشته است:« از این آیات برمی‌آید که عربهای دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به خاطر تعصبهای غلط زنده به گور می‌کردند بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند خداوند در این آیه آنها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیفترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده و از این کار بازمی‌دارد.

با نهایت تاسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود، و به عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق" کورتاژ" به

قتل می‌رسند.

گرچه امروز برای سقط جنین دلائل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مساله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلائل عمده آن است.

اینها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به شکل دیگری تکرار می‌شود و" جاهلیت قرن بیستم" حتی در جهانی وحشتناکتر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است»(مکارم شیرازی، ۱۳۷٤؛ج٦؛ص۳۷).

صاحب تفسیر گران سنگ المیزان در تبیین این آیه مبارکه بیان داشته است :" وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ" کلمه" املاق" به معنای افلاس و نداشتن مال و هزینه زندگی است،" تملق" هم مشتق از همین ماده است، و این مطلب یعنی کشتن فرزندان از ترس هزینه زندگی آنان در میان عرب جاهلیت سنتی جاری بوده، چون بلاد عرب غالب سالها دستخوش قحطی و گرانی می‌شده، و مردم وقتی می‌دیدند که قحط سالی و افلاس آنان را تهدید می‌کند فرزندان خود را می‌کشتند تا ناظر ذلت فقر و گرسنگی آنان نباشند.

لذا در آیه مورد بحث که ایشان را از این عمل ناستوده نهی کرده نهی را با جمله" نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ" تعلیل کرده و فرموده: منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی و هزینه زندگی آنان را فراهم نمایید، و این خود منطقی است غلط، برای اینکه این شما نیستید که روزی فرزندانتان را فراهم می‌کنید، بلکه خدای تعالی است که روزی ایشان و خود شما را می‌دهد، پس شما چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟((طباطبایی، ۱٤۱۷،ج۷، ص: ۳۷۲).

و نیز پیامبر اکرم (ص) فرزند در خانواده را مایه آرامش و برکت در زندگی دانسته است و فرماید «خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست»[۷] (پاینده، ۱۳۸۲،ص۳۷٤)) وهمچنین فرموده:إنّ الرجل لترفع درجته في الجنّة فيقول أنّى لي هذا؟ فيقال باستغفار ولدك لك؛ مقام یکی را در بهشت بالا برند و گوید این مقام از کجا برای من حاصل شد؟ گویند فرزندت برای تو آمرزش طلبید(پاینده ، ۱۳۸۲، ص۲۷۸)

در اخر از این نکته نباید غافل شد که آن چه در مورد آثار مفید فرزند در خانواده بیان گردید

در صورت حاصل می گردد که والدین نیز وظیفه خویش را به درستی انجام دهد و اگر آنچه را باید از وجود فرزند در زندگی توقع داریم به بدست نخواهدآمد بلکه فرزند مایه عذاب شده و به عنوان مجرم ب جامعه ورود خواهد نمود.

«آرامش و امنیت، مهر و محبت در محیط خانواده از عوامل بسیار مهم در رشد جسمی و روانی اطفال و نوجوانان است. مهر و محبت والدین را می توان ویتامین روانی کودک نامید. احتیاج به محبت یک حس ذاتی بشری است که در تکوین شخصیت هر فرد فوق العاده موثر است. کمبود محبت سبب بروز بیماریهای روانی و اختلال منش و انواع انحراف گشته و در چندین نسل اثر می گذارد.

طفلی که از محبت خانوادگی محروم است خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی کرده همواره درصدد انتقام جویی است و پس از ارتکاب اعمالی برخلاف قوانین و مقررات، آداب و رسوم اجتماعی قلبا احساس شعف و رضایت خاطر می کند. احتیاج به محبت؛ محدود به زمان خاص در دوره طفولیت نیست با توجه به عرف و سنت اطفال و جوانان در هر زمان، به نوعی محبت و عطوفت نیاز داردند و پیوسته نیازها در هر سنی ، نیازهای زیستی ، روانی ، و اجتماعی هستند سن بلوغ نیاز های خاص اجتماعی خود را دارد(دانش، ۱۳۸٤،ص۲۹٦).

خانه محیطی است که فرد در آن جا به دنیا آمده و به حیات اش ادامه می دهد. محققان بر این عقیده اند که فرد تحت تأثیر شدید والدین و دیگر اعضای خانواده اش قرار می گیرد و به همین دلیل، وضع خانوادگی او در بروز رفتارهای خطرناك و ارتکاب جرایم رابطه مستقیم دارد. این تأثیر بر شکل گیری شخصیت و منش افراد و در نتیجه، رفتارهای آتی آنان، مورد توجه بیشتر متفکران بوده است. دوگرف در این باره می نویسد: «اثرات سال های عمر بر روی تکوین و تحول آتی شخصیت افراد بسیار بدیهی بوده و اگر خانواده به وظایف تربیتی عمل نماید و اگر روابط بین والدین و فرزند طبیعی بوده و در محیط، جوّ عاطفی، دوستی و محبت حاکم باشد و در نهایت، اگر تمام نیازهای طبیعی تأمین گردد، طفل به راحتی اجتماعی شده و همچنین در روابط خانوادگی و خارج از آن، رفتارهای طبیعی و معتدل خواهد داشت. اما اگر شرایط و موقعیت به صورت دیگری باشد ـ یعنی خانواده از نظر تربیتی دچار نقیصه شده و اگر طفل از کمبود شدید

عاطفی رنج ببرد و اگر والدین از هم جدا شده باشند، بدیهی است نتایج ضرربار آن دیر یا زود در طفل مشاهده خواهد شد. خانواده نقش تعیین کننده و قاطعی در انگیزه شناسی بزه کاری جوانان ایفا می نماید»(نجفی توانا، ۱۳۷۷،ص۲۰٤).

نتیجه

با نگاه گذرا به آیات و روایات و علوم تجربی که درباره فرزند بیان شده است می توان به نگرش اسلام به فرزند و اهمیت آن پی برد. از مجموع آموزه های دینی چنین بدست می آید که اسلام نگرش مثبت به فرزندآوری داشته و با ادبیات گوناگون مسلمانان را به فرزند آوری تشویق نموده؛ و از فرزندان با تعبیر های زیبای همچون نعمت الهی، نورچشم، یاری کننده والدین، قوت قلب، عامل ثواب و رحمت وغفران الهی... سخن گفته اند؛ و در مقابل نداشتن فرزند را مایه غم و نا امیدی و اضطراب... معرفی نموده است .

از مطالعه منابع دینی در می یابیم که فرزند باعث پایداری خانواده ، رضایت مندی از زندگی ، توسعه رزق و روزی ، کسب رضایت الهی، رشد شخصیت و سرخوشی و شادابی و نیز تقویت روابط اجتماعی می گردد و بالاخره اینکه فرزند صالح برکات فروان دنیوی و اخروی برای والدین به ارمغان خواهد آورد. البته باید توجه نمود که آثار و برکات متذکره در صورتی از فرزند مورد انتظار است که والدین هم به درستی به وظیفه خویش عمل نمایند واگرنه نتیجه دلخواه را درپی نخواد داشت.

پی نوشت

۱ – «اللهم إني أريد أن أتزوج فقدر لي من النساء أعفهن فرجا، و أحفظهن لي في نفسها و مالي، و أوسعهن رزقا، و أعظمهن بركة، و قدر لي ولدا طيبا تجعله خلفا صالحا في حياتي، و بعد موتي»

۲ – « اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضُدِي، وَ أَقِمْ بِهِمْ أَوَدِي، وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَ أَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي، وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي، وَ أَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ، وَ عَلَيَّ حَدِبِينَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ، غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا عَاقِّينَ وَ لَا مُخَالِفِينَ وَ لَا خَاطِئِينَ. »

۳ – « رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْوَلَدُ الصَّالِحُ رَيْحَانَةٌ مِنْ رَيَاحِينِ الْجَنَّةِ»

٤ – «لِلصَّادِقِ(ع) أَيُّ شَيْءٍ أَحْلَى مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ الْوَلَدُ الشَّابُّ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَمَرُّ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فَقْدُهُ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»

٥ –« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْمَرْكَبُ الْهَنِيءُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ»

٦ – وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كانَ خِطْأً كَبيراً (اسراء،۳۱)

۷ – « بيت لا صبيان فيه لا بركة فيه.» قرآن كريم

کتابنامه

آر کایل، مایکل، **روانشناسی شادی**، ترجمه مسعود گوهری انارکی و همکاران، ۱۳۸۳، انتشارات جهاد دانشگاهی.

آیت اللهی، زهرا وهمکاران، **دانش خانواده وجمعیت**؛ قم ، نشر معارف، ۱۳۹٤،ص۱۸٤

بستانی(نجفی) حسین ؛ **اسلام و جامعه شناسی خانواده** ،قممؤسسه پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، ۱۳۸۳؛ص۲۰۳

پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحة** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله) – تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ش.

پناهی، احمد، **فصلنامه علمی- ترویجی اخلاق**، شماره۲۱، سال ششم،بهار ۱۳۹۵

حرّ عاملی محمد بن حسن ، **وسائل الشیعة**، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم – ایران، اول، ۱٤۰۹ ه‍ ق،ج۲۱،ص۳٥٦؛ ح٤۸۲

خامنه ای، سید علی، **سخنرانی**، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱ش.

دانش ،تاج زمان ، **مجرم کیست جرم شناسی چیست**، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸٤

ساروخانی، باقر ،**طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت وعوامل آن**، ص٦۷-۷۱

سید حیدر علوی نژاد، **پژوهشهای قرآن**،شماره ٤۹-٥۰، ۱۳۸٦؛

سید الساجدین، امام علی بن الحسین علیهما السلام، **الصحیفة السجادیة**، دفتر نشر الهادي، قم - ایران، اول، ۱٤۱۸ ه‍ ق، ص: ۱۲۰

صدوق، محمّد بن علی بن بابویه قمّی، **من لا یحضره الفقیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، دوم، ۱٤۱۳ ه‍ ق، ج۳،

طباطبایی سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**،قم، ۱٤۱۷ه ق؛ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم،ج۷،ص۳۷۲

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية** (المحشّی – کلانتر)، کتابفروشی داوری، قم – ایران، اول، ١٤١٠ ه‍ ق، ج٥، ص: ٨٨

قطب الدین، سعید بن عبد اللّه راوندی ، **الخرائج و الجرائح**، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، قم – ایران، اول، ١٤٠٩ ه‍ ق، ج١، ص: ٤٧٨

کلینی ،محد بن یعقوب ابو جعفر ، **الکافی**، قم، دارالحدیث لطباعة والنشر،١٤٢٩ق؛ ج١٠،ص٧٠٠

لبیبی ،محمد مهدی ، **خانواده در قرن بیست و یکم** ،تهران، نشر علم،١٣٩٣؛ ص١٣٠

محدث نوری ،میرزاحسین؛ **مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، بیروت – لبنان، اول، ١٤٠٨ ه‍ ق،ج١٥، ص١١٢

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران ، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ١٣٧٤،ج٦،ص٣٥

موسوی خمینی ،سید روح الله ، **تحریر الوسیلة**، ، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم – ایران، اول، بی تا، ج٢، ص: ٢٣٧.

نجفی توانا ،علی؛ **جرم شناسی** ،تهران ،انتشارات خیام، ١٣٧٧